موضوع مقاله :

ضرورت هاي ازدواج

گردآوردندگان :

فاطمه رضايي ، زهرا حميدي

بهار1389

**چکیده**

ازدواج درآیین مقدس اسلام، با توجه به صحت و سلامت اجتماع و نسلهای بشری وضع شده است که با ازدواج انسانها به تکامل شخصیت دست می یابند. قرآن انسان را به ازدواج توصیه می کند و درروایت آمده است که ازدواج کنید تا پاکیزه، خداوند را ملاقات کنید. برای ازدواج ضرورتهای فردی اجتماعی و معنوی و... بیان شده است. که ازجمله ضرورتهای فردی یافتن آرامش، ارضاء غریزه جنسی، تکامل و... می باشد. ضرورتهای اجتماعی سلامت و امنیت اجتماعی است. ضرورتهای معنوی شامل عفت و پاکدامنی، انجام وظیفه الهی، توسعه رزق و موارد دیگر می باشد. ازدواج نکردن و تنهایی آسیب هایی دارد که موجب بسیاری از مشکلات و هیجانات روحی و عصبی می شود.

**کلید واژه:**تعریف ازدواج، فلسفه ازدواج، ضرورتهای فردی و اجتماعی ازدواج، آسیب های تنهایی.

**مقدمه**

خانواده ها هسته های مرکزی وتشکیل دهندة ملتها هستند. ارزش های اجتماعی که اساس تدوین مقررات حقوقی است از ویژگی ها و ایده های خانواده ها و اعضای آنها نشأت می گیرد. ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و به دنبال آن جامعه و اجتماع است و میزان اندیشه و تدبر در آن در میزان پیشرفت یا انحاط جامعه تأثیر دارد. ازدواج دارای آثار و نتایج بسیاری است. از جمله ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل و تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک دامنی وعفاف ونتایج متعدد دیگر.

اسلام -به عنوان مکتب آسمانی- ازدواج را نه تنها کاری محبوب ومقدس دانسته بلکه جوانان رامؤکداً بدان توصیه کرده است. هرازدواجی دارای اهداف خاصی می باشد و تن دادن به ازدواج بدون هدف و روش سنجیده همانند قراردادن اساس ساختمان برروی زمینی سست و لرزان است که محلی برای زندگی اطمینان بخش نخواهد بود.

در این مختصر برآنیم تا در حد مقدور و به اختصار درزمینه ضرورت ازدواج سطوری را به رشته تحریر درآوریم.

**تعریف ازدواج**

ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی است تاطرفین ازدواج درسایه آن در خط سیر معین و شناخته شده ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و برمبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می گردد ودر پرتو آن، روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می آید. این قرارداد، ارتباط و پیوند دوطرفه به وسیله الفاظ وعباراتی معین انجام می گیرد که آن را عقد یا پیمان ازدواج می نامیم.[[1]](#endnote-1)

**فلسفه ازدواج**

فلسفه ازدواج درآیین مقدس اسلام، با توجه به صحت و سلامت اجتماع و نسلهای بشری وضع شده است. اینکه گفته شده، جوانان پس از رسیدن به سن بلوغ و «شناخت خود» ازدواج کنند، بی جهت نیست، آنان در طغیان حالات خاص هستند و ممکن است تحت تأثیر وسوسه های شیطانی دست به اعمالی بزنند که سبب گرفتاری خانواده ها وزیانهای جبران ناپذیر اجتماعی گردند.[[2]](#endnote-2)

بنابراین، اگر بعضی از اعمال انسان از آن وصف و روشی که طبیعت برایش معین کرده، مانند ازدواج منحرف شود، و انسان روش عملی ضدطبیعت را برای خود اتخاذ کند، قطعاً در صفات او،اثر می گذارد، واو را از راه طبیعت و مسیر خلقت به بیراهه می برد.[[3]](#endnote-3)

زیرا برخی خصوصیات اخلاقی تنها در مکتب تشکیل خانواده کسب می شود. تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقه مند شدن به سرنوشت دیگران،[[4]](#endnote-4) متعهد شدن در برابر همسر و خانواده، برای انسان بزرگواری، احساس مسئولیت اجتماعی به وجود می آورد و بسیاری از لیاقت ها و استعدادهای نهفته درونی او را بارور و بالنده می کند.[[5]](#endnote-5)

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی، و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است.[[6]](#endnote-6)

یک پختگی هست که این پختگی جز درپرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود و در مدرسه پیدا نمی شود، درجهاد نفس پیدا نمی شود، در نماز شب پیدا نمی شود.[[7]](#endnote-7)

زن و مرد با ازدواج و پیوند زناشویی، همدم و هم راز و ر فیق و مونس همدیگر می شوند و با درک و احساس یکدیگر به کمبودها غلبه پیدا می کنند.[[8]](#endnote-8)

**ضرورت ازدواج**

انسان براساس تجهیزات درونی و طبیعی بسوی جنس مخالف جذب می شود. گویی دختر بدون پسر و پسر بدون دختر وجودشان ناقص است. اسلام هم برهمین کششهای طبیعی آن دو را برای ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب کرده است. ازدواج و تشکیل خانواده یک واقعیت طبیعی و فطری انسان است هرانسانی اگر همه نیازمندیهای خود را برطرف کرده باشد ولی ازدواج نکرده باشد، بدون تردید احساس کمبود خواهدکرد.[[9]](#endnote-9)

میل مرد به زن و زن به مرد، به خصوص به هنگام شکوفایی غنچه غرایز و گل شهوت و شدت و قدرت و قوت آن به وقت نیاز به ازدواج، امری طبیعی، انسانی و حیاتی است و برای کسی قابل انکار نیست.[[10]](#endnote-10) افرادی که به ازدواج پشت می کنند ناخودآگاه با فطرت و طبیعت خود به جنگ برخاسته اند.[[11]](#endnote-11) از همه مهمتر، بهترین روش و برنامه جهت پیشگیری از نگاه و حفظ جامعه از افتادن درغرقاب فحشا و منکرات، ازدواج پسران و دختران به وقت نیاز و زمان مناسب آن است.[[12]](#endnote-12)

زن و شوهر درکنار یکدیگر نگرانی ها را فراموش کرده علاوه برآن شامل وقار و ثبات فکری وروحی و احساس ارزشمند بودن و کسب آبرو و حیثیت بیشتر نیز می شود. و نیز توکل انسان به خدا بیشتر می شود، از حالات پریشانی و بی پناهی خارج می شود.[[13]](#endnote-13)

ازدواج سنگ اول بنای حیات جامعه است. هرگونه اقدام و رشد اجتماعی در سایه خانواده حاصل می شود. خانواده کانونی است که در آن ارزشهای اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و زمینه های رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده فراهم می گردد. خانواده ها، به مثابه ی اصلی ترین پایگاه های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارتهای اجتماعی کودکان و نوجوانان اساسی ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری برعهده دارند و بخش قابل توجهی از شکل گیری شخصیت تبلور رفتارهای اجتماعی تعاملات بین فردی و مسئولیت پذیری انسانها حاصل چگونگی بازخوردهای بینشها و تجارت آنان در زندگی خانوادگی است. بنابراین از طریق ازدواج تشکیل خانواده همدلی و همدمی پدید می آید انزواجویی و گریز از حیات از میان می رود، سازندگی و خلّاقیت براثر آن پدید می آید و آدمی با تشکیل خانواده به حقیقت وظیفه ی مهم و خطیر خود که همان پیشرفت مدنیت و فرهنگ بشری است جامعه عمل می پوشاند.[[14]](#endnote-14)

**الف)ضرورت ازدواج درآیات قرآن کریم**

درقرآن مجیدآیاتی دراهمیت اصل ازدواج آمده و همگان را به آن تشویق و دعوت کرده است که ما دو آیه را ذکر می کنیم:[[15]](#endnote-15)

1)وَمِن ءایتِهِ أن خَلَقَ لَکُم مِّن أَنفُسِکُم اَزدَواجاً لِّتَسکُنُوآ إلِیها وَجَعَلَ بَینَکُم مَّوَدّهَ وَ رَحمَهً إنَّ فی ذلکَ لِأیَت لِّقَوم یَتَفَکَّروُنَ.[[16]](#endnote-16)

و یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که دربر او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و رحمت برقرار فرمود در این امرنیز برای مردم با فکر ادّله علم و حکمت حقّ آشکار است.

بعد از آنکه میان شما سابقه معرفت و دوستی و مهربانی نبود بواسطه ازدواج برای شما فراهم آورد تا موجب انتظام امر معاش باشد. و نزد بعضی مودت کنایه از محبت است و رحمت کنایه از شفقت که مودت و رحمت ازجانب رحمان است.[[17]](#endnote-17)

در واژه «رحمت» الهام نوینی از سرشت و طبیعت ارتباطات همسری می یابیم... و آن عبارت است از این که زن و مرد را وا می دارد با توجه به ظرفیت خانوادگی، روحی و اجتماعی، یکدیگر را درک کنند و مسئولیت پذیر باشند. در این جوّ و فضا از تنگ نظری و خودخواهی که زندگی خانوادگی را براثر مصلحت پرستی و خود محوری از هم متلاشی می سازد، آن را در عمل مجسم می نماید.[[18]](#endnote-18)

هریک از مرد و زن دستگاه تناسلی دارند که با دستگاه تناسلی دیگری کامل می گردد واز مجموع آن دو توالد و تناسل صورت می گیرد، پس هریک از آن دو فی نفسه ناقص، و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو واحدی تام و تمام درست می شود، و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هریک به سوی دیگری حرکت می کند. و چون بدان رسیدآرام می شود، چون هرناقصی مشتاق به کمال است، و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است، و این حالت همان شهوتی است که در هریک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده.[[19]](#endnote-19)

2)قرآن در جای دیگری می فرماید:

وَأَنکِحُوا الْاَيَمي مِنکُم والصّلِحینَ مِن عِبادِکُم وَ إمَآئکُم إن یَکُونوا فُقَرآءَ یُغنِهِمُ اللهُ مِن فَضلِهِ وَاللهُ وَاسِعُ عَلیمُ.[[20]](#endnote-20)

و مردان و زنان بی همسرخود را و همچنین غلامان و کنیزان صالح را همسر دهید، اگر فقییر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد، خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

تعبیر(انکحوا) (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنهارا فراهم سازید.[[21]](#endnote-21) حق تعالی در این آیه مکلفان را امر کرد بیوگانی را که به ایشان متعلق است و ولایت آنها در دست ایشان می باشد را شوهر دهند و برخی علماء گفته اند که این امر واجب است و آنچه قول بیشتر علماء است آن است که این امر سنت است.[[22]](#endnote-22) و اگر تنگدست باشند خداوند ایشان را بعد از تزویج از فضل و کرم خود غنی می گرداند.[[23]](#endnote-23)

**ب)ضرورت ازدواج از دیدگاه روایات**

روایات بسیاری در این زمینه وجود دارد که چند مورد آن را ذکر می کنیم:

1)پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) می فرمایند:

هرکس دوست دارد که پاک و پاکیزه با خداوند ملاقات کند بایدهمراه با همسر سفر نماید.[[24]](#endnote-24)

زیرا هرکدام از آن دو به تنهایی موجودی ناقص هستند و هنگامی که با پیوند ازدواج تشکیل خانواده دهند مکمل یکدیگر می باشند.[[25]](#endnote-25)

2)همچنین از آن حضرت نقل است که:

کسی که ازدواج کند، نیمی از دین خود را محکم نگه داشته است و برای نگهداری نیمه دوم بایدتقوای خدا در پیش گیرد.

از این سخن پیامبراکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) معلوم می شود که تا انسان ازدواج نکند دینش در خطر است زیرا غرایز جنسی و فشارهای روحی و احساس تنهایی و بیهودگی و نداشتن پناهگاه و عدم احساس مسئولیت اجتماعی و دیگر زیانهای مجرّد بودن به ریشه و اساس ایمان انسان لطمه می زند و آن را متزلزل می کند.[[26]](#endnote-26)

3)و ایشان همچنین در سخن دیگری می فرمایند:

ازدواج کن وگرنه از گنه کاران محسوب خواهی شد.[[27]](#endnote-27)

4)امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد.[[28]](#endnote-28)

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می کند که مسلمانان درهمة زمینه ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

**ج)ضرورت فردی**

**1)یافتن آرامش و سکون**

نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی دارد، براساس تعالیم مکتب اسلام یکی از مهمترین شایداولین انگیزه ی ازدواج محسوب می گردد. آرامش وآسودگی که در اثر ازدواج حاصل می شود آنقدر با اهمیت است که خداوند متعال آن را به عنوان یکی از آیات بزرگ خویش معرفی نموده است. ازدواج یکی از مواهب بزرگ الهی برای بشر است، زیرا هم مایة آرامش جسمی همسران است و هم آرامش فردی و اجتماعی آنان را فراهم می سازد.[[29]](#endnote-29)

یکی دیگر از مسائلی که سکون و آرامش فرد را در زندگی به دنبال دارد، اتکاء زوجین به یکدیگر در مقابل فشار امواج و گرفتاریهای ناشی از عوارض حیات اجتماعی است که در زندگی با آن مواجه خواهند شد. همسران جوان بعد از ازدواج برای پیشبرد زندگی و برطرف کردن موانع مسیر خود نیاز به همفکري و یاری یکدیگر دارند.[[30]](#endnote-30)

**2)ارضاء غریزة جنسی**

انسان موجودي دارای مجموعه ای از غرایز ونیازهای متفاوت می باشد که در حقیقت ویژگی های شخصیتی او را می سازند، بنابراین عدم ارضاء یا نقض در ارضای هرکدام از این غرایز و نیازها باعث ایجاد تزلزل در شخصیت فرد می شود. یکی از این نیازها، نیاز جنسی می باشد که با تغییر و تحولات جسمانی دردوران بلوغ خود را ظاهر می سازد و باید مانند تمام غرایز دیگر به شکل مناسبی ارضاء شود.[[31]](#endnote-31) بنابراین تنها وسیله طبیعی و مشروع ارضای این غریزه ازدواج و تشکیل خانواده است. اسلام، عمل جنسی را نه تنها منفور نمی داند، بلکه یک سنت و عبادت می شمارد.[[32]](#endnote-32)

**3)تکمیل و تکامل**

هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست. چه بسیار نارسائیهایی که در سایه ازدواجی نیکو و صحیح از میان می رود و موجبات تکامل و رشد آدمی را فراهم می سازد. فعالیت های جنبی و ارائه پیشنهادات سودمند، انتقادات بجا و از همه مهمتر احساس مسئولیتی که در او بوجود می آید همگی دست به دست یکدیگر داده و باعث تکمیل و تکامل فرد می شود.[[33]](#endnote-33)

انسان هرچه از نظر علم و ایمان و فضائل اخلاقی بالا برود، تاهمسر انتخاب نکند، به کمال مطلوب نمی رسد(چه زن، چه مرد).[[34]](#endnote-34) بنابراین در می یابیم پافشاری براین هدف تشکیل خانواده دراسلام همانا دستیابی به سکینه و اطمینان روحی و روانی است، تا انسان پس از دست یابی به این مرحله احساس نماید به خویشتن دست یافته است. در اینجا به اعتبار این مودّت و رحمت شالوده، و پایه روابط در نظام آفرینش می باشد، شخصیت انسانی تکمیل می یابد.[[35]](#endnote-35)

**4)بقای نسل**

بقای نسل انسان در گرو ازدواج است، عمل تولید نسل از اهداف و مقاصد طبیعت است، این پیوند که در قالب ازدواج درآمده، اسلام آن را از درهم آمیختگی ها بی بند و بار و از صرف نزدیکی کردن، بیرون آورده و تشکیل ازدواج توأم به آن داده است.[[36]](#endnote-36)

شخصیت زن و مرد با وجود فرزند کامل شده وحیات آنان ادامه می یابد.[[37]](#endnote-37) وجود فرزندان باعث گرمی، پویایی و صفای کانون خانواده، لطافت و عواطف و انگیزه ای برای دوام زندگی و احتمالاً کاهش درگیریهای زن و شوهر است.[[38]](#endnote-38)

طبیعی است که زندگی بدون فرزند، کانون خانواده را به سردی سوق می دهد و باعث بی تفاوتی، دل مردگی و یأس و افسردگی می گردد. از دیدگاه اسلام وجود فرزند صالح برای پدر و مادر، یک عمل نیک به شمار می آید. امام سجاد(علیه السلام) فرمودند: از سعادت انسان داشتن فرزندانی است که از آنان استعانت جوید.[[39]](#endnote-39)

**5)حفظ شخصیت**

تعبیری در قرآن وجوددارد که زنان پوشش برای حفظ شخصیت وعفت و پاکدامنی و آبروی شما هست و شما هم لباس و پوشش هستید برای حفظ شخصیت و آبرو و عفت و پاکدامنی زنانتان. یعنی خانواده سنگر حفظ شخصیت و آبرو و عفت همدیگر است. شخصیت و عفت زن و شوهر در پناه یکدیگر محفوظ است.[[40]](#endnote-40)

**6)خودکفایی و استقلال**

برای یک انسان، هیچ مفهومی با ارزش تر از استقلال نیست. ازدواج، مرحله جدید از رشد و استقلال است و انسان را از طفیلی بودن و این سو و آن سو رفتن و نامنظمی و پریشانی بیرون آورده و به او تمرکز و نظم می بخشد، به گونه ای که روی پای خود می ایستد و خود با اراده ای نیرومند و فکری آزاد، عهده دار اداره زندگی می شود.[[41]](#endnote-41)

**7)مسئولیت پذیری**

مسئولیت پذیری در اصل اداره خانواده می باشد یعنی همان اداره فرزندی که به دنیا می آید یا آمده، و نیز اداره همسر و حتی اداره خود می باشد. عادت دادن جسم و روح به شرایط جدید و دل کندن از شرایط قبل از کار آسانی نیست و زمانی که رخ دهد، نشانه بلوغ شخص، مسئولیت پذیر شدن وی است. و قبول احساس مسئولیت زیربنای یادگیری بسیاری از چیزها می شود.[[42]](#endnote-42)

**8)دوستی و محبت و عشق**

روانشناسان، یکی از نیازهای اساسی و مهم آدمی را نیاز به محبت ذکر کرده اند. آدمی در هر سن و مرحله ای از حیات خویش، به محبت احتیاج دارد. یکی از راههای مهم و مؤثر برای ابراز مهر و محبت و برقراری دوستی بین زن و مرد، ازدواج است. محبت و همبستگی عمق روانی و عاطفی، پیوند زن و مرد را تحکیم بخشیده فضایی صمیمی، گرم، پرطراوت، شاداب و بالنده مبدّل می کند.محبت ورزیدن و موردمحبت قرارگرفتن، رضایت خاطر آدمی را پدید می آورد و تعادل روانی زن و مرد را ممکن می سازد.[[43]](#endnote-43)

**9)نجات از تنهایی**

به عقیده دانشمندان و فلاسفه، انسان موجودی است که دارای طبعی مدنی و اجتماعی است. از این رو، محتاج پناه و یاور و یاری دلدار است. ازدواج آدمی را از تنهایی و اعتزال نجات دهد و همدلی در کنار او قراردهد تا وجودش را عین وجودخودبداند و در غم و دردش شریک باشد.[[44]](#endnote-44)

**د)ضرورت اجتماعی**

**سلامت و امنیت اجتماعی**

ازدواج هرچند از یک نظر، مسأله ای شخصی و خصوصی است ولی از نگاهی دیگر، دارای جنبه و اهمیتی اجتماعی می باشد. براین اساس، ازدواج از ارکان مدنیت و راهی مطمئن برای تأمین آسایش جامعه و رفاه بشریت است. سود یا زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست،بلکه افراد اجتماع نیز به گونه ای از آن برخوردار می شوند.[[45]](#endnote-45)

خانواده یک گروه و واحد اجتماعی است و در برگیرنده بیشترین، عمیق ترین و اساسی ترین مناسبات انسانی می باشد. هرگاه جوانها به موقع ازدواج کنند به کانون گرم خانواده دل ببندند و بنیاد خانواده مستحکم باشد، به گونه ای قابل ملاحظه از فساد و انحرافات کاسته خواهد شد.[[46]](#endnote-46)

**هـ)ضرورتهای معنوی**

**1)وسیله عفت و پاکدامنی**

طبیعی ترین راه برای مبارزه با مفاسد اخلاق جنسی و انحرافات اخلاقی و خانوادگی ازدواج است، ازدواج درحفظ پاکدامنی و دینداری آن قدر تأثیر دارد که هرگاه یکی از اصحاب و یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) زن می گرفت، حضرت می فرمود دینش کامل شد.[[47]](#endnote-47)

چه بسیارند افرادی که در اثر فشار و غرایز و پای بندی به هوسها لغزیدند. بدام گرفتاری هائی افتاده و دامن خود را آلوده کرده و دینشان را تباه کرده اند. ازدواج سببی برای حفظ دین و معتقدات و تن در دادن به امری است که بازدارنده انسان از گناهان است. رابطه ازدواج و حفظ دین تنها به خاطر نجات از رسواگراییهای هوس نیست، بلکه به ویژه این بعد قضیه هم مطرح است که اشباع معتدل خواسته های غریزی سبب دست یافتن به سکونی جهت عبادت و ضروری حیات دینی است.[[48]](#endnote-48)

**2)انجام وظیفه الهی**

ازدواج یک وظیفه است،وظیفه ای الهی و سنتی که رسول خدا برآن توصیه و تأکید کرده است. خلاصه کردن ازدواج در تأمین آرامش و ایجاد روابط صمیمانه بین زن و شوهر آن رادر حد حیوانیت تنزل خواهد داد.

در ازدواج بعد معنوی نیز باید مورد توجه باشد که زن و شوهر دور از همه غوغاها و سروصداها با هم زندگی کنند به زندگی خودبرسند و برای رشد و ترقی خود قدمی بردارند و در سایه آرامش و سکون است که امکان سیر در طریق عبودیت برای آنها فراهم می شود.

چه بسیار و دختری به خاطر دستیابی به مال و ثروتی، زیبایی و جمالی رجعت و مقامی تن به ازدواج باهم می دهند و پس از چند صباحی که چشم ها باز و هوسها فرو نشانده شده اند در می یابند که در این هدف مأیوس و نومید شده اند.[[49]](#endnote-49)

**3)تعاون در اطاعت و نیل به ثواب**

ازدواج از دیدگاه اسلام، امری است مقدس و ارزشمند و در صورتی که با قصد قربت انجام بگیرد عبادت محسوب می شود و پاداش دارد. علاوه بر این یک انسان مؤمن، در صورتی که همسر مؤمن و موافقی داشته باشد، می تواند در طریق انجام وظیفه، از تشویقها و رهنمودها و کمکهای او بهره مندگردد و در راه عبادت و انجام عمل صالح و نزدیک شدن و به حق، از تعاون و همکاریهای او یاری بطلبد، از نظر اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده، آنچنان در وجود انسان تأثیر می گذارد و شخصیت او را رشد می دهد که اعمال و عبادتهایش نزد خداوند و فرشتگان بسیار ارزشمندتر می شود.[[50]](#endnote-50)

**4)توسعه رزق**

یکی از آثار بسیار مهم ازدواج، توسعه رزق و روزی است. بسیاری از کسانی که ازدواج نموده اند با یقین می گویند که بعد از ازدواج، درهای رحمت ورزق و روزی به رویشان گشوده شده است. این تجربة عینی را می توان از روایات ائمه معصومین نیز بدست آورد.

نبی گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: درهای آسمان درچهار زمان باز می شود: هنگام بارش باران،زمانی که فرزند به صورت پدر نگاه می کند، هنگامی که درب کعبه گشوده می شود و به هنگام ازدواج او(انسان).[[51]](#endnote-51)

**-نهی اسلام از عزوبت**

از نظر اسلام، ازدواج کاری مقدس و تجرد چیز پلید است. این برخلاف نظر کسانی است که رهبانیت را پذیرفته اند و سعی دارند بدان جنبه ای مقدس دهند. پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: آن کس که این آیین و مذهب همگام با فطرت مرا دوست دارد باید نسبت به سنت من پای بند باشد. یکی از سنت های من ازدواج است اسلام برخلاف رهبانان و تارکان دنیا، مجرد ماندن را نه تنها فضیلت نمی داند، بلکه آن را محکوم کرده، شدیداً از آن نهی فرموده است.

بزرگان اسلام عزب ماندن را در صورت فراهم بودن وسایل ازدواج، ناروا و حرام دانسته و ازدواج را محبوب و مقدس شمرده اند. اسلام نیز تجرد را زشت می شمارد و می گوید:«شرارکم عزابکم» بدترین شما کسانی هستند که در حال عزوبت اند.[[52]](#endnote-52)

**-آسیب های تنهایی**

ازدواج دراصل یک عمل مستحّب موکّد است. و اما اگر کسی در اثر نداشتن همسر مرتکب گناه گردد و یا به زحمت بیفتد، در این صورت واجب است زن بگیرد و خود را از ارتکاب به حرام، و از تحمّل ناراحتیهای جنسی نجات دهد.[[53]](#endnote-53)

تنهایی و تنها زیستن، عزلت و کناره گیری از یارگرفتن موجب بسیاری از مشکلات، و باعث افسردگی و دل مردگی، و علت هیجانات روحی و عصبی و مورث انواع بیماریهای روانی و بدنی است. تنهایی انسان را در دریایی از خیالات، اوهام، افکار غیر منطقی و بیماریهای اخلاقی و روانی فرو می برد و امواجی از مشکلات گوناگون را برای انسان به ارمغان می آورد.[[54]](#endnote-54) ترک کننده ازدواج شخصی بدبین و عقده ای و همکار شیطان و گرفتار گناهان است، اشخاص مجرد که به موقع ازدواج نمی کنند، بدون شک موردطمع شیطان قرار گرفته و پیوسته آلوده به فساد و گناه می گردند و از نظر اجتماعی اشخاصی غیرعادی و ناهماهنگ به حساب می آیند. معمولاً چنین افرادی در فقر و بدبختی به سر می برند، زیرا اینگونه اشخاص حوصلة کار و کوشش را ندارند و نشاط زندگی و امید پیشرفت و تکامل در آنان بکلی منتفی است، در حالی که اشخاص متأهل در اثر داشتن زن و فرزند، تلاش لازم را به عمل می آورند، لذا افراد متأهل، زندگی شان همیشه از افراد مجرد بهتر و پررونق تر است.[[55]](#endnote-55)

**خلاصه و نتیجه بحث**

از مجموعه بحث ها چنین نتیجه می گیریم که هدف از ازدواج در اسلام به مراتب، بالاتر و مقدس تر از آن است که تنها در حد کام جویی جنسی باشد، زیرا اگر چنین بود هیچ فرقی میان ازدواج انسان و جفت گیری حیوانات نبود و ازدواج مشمول این همه قوانین آسمانی و رهبری پیامبران علیهم السلام و راهنمایان قرار نمی گرفت. پس باید در آن اهداف مهم دیگری نیز وجود داشته باشد. از جمله: ایجاد، بقا و طهارت نسل، تکمیل و تکامل، مودت و صفا و از همه بالاتر، انجام وظیفه الهی. پیمان ازدواج پیمانی مقدس و الهی است. بدین سان، جز در سایه احکام الهی نمی توان آن را فسخ کرد. ازدواج امری اساسی و مهم است، باید در جامعه رشد و توسعه یابد تا افراد در سایه پای بندی بدان از بسیاری انحرافات و پیش آمدهای ناگوار مصون بمانند.

1. **پی نوشت ها:**

   -دوستي/ حسين /ضرورت ازدواج در اسلام/ [↑](#endnote-ref-1)
2. -فرهایش/ نصرالله/ پیوند ازدواج/ تهران/ انتشارات باربد/ 1381/ ص11. [↑](#endnote-ref-2)
3. -طباطبائی/ محمدحسین/ زن در اسلام/ مصجح: محمد مرادی/ قم/ دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی/ 1384/ ص 70. [↑](#endnote-ref-3)
4. -مطهری/ مرتضی/ تعلیم و تربیت در اسلام/ تهران / انتشارات صدرا/ اردیبهشت 1387 / ص 251. [↑](#endnote-ref-4)
5. -مظاهری/ علی اکبر/ جوانان و انتخاب همسر/ قم/ انتشارات پارسیان/ 1380/ ص 14. [↑](#endnote-ref-5)
6. -مطهری/ مرتضی/ همان/ ص 251. [↑](#endnote-ref-6)
7. -همان/ ص 398. [↑](#endnote-ref-7)
8. -صادق کوهستانی/ عطیه/ جوان وازدواج/ قم/ نسیم حیات/ 1378/ ص 9. [↑](#endnote-ref-8)
9. -فضل الله / محمد حسین/ شیوة همسرداری / مترجم: لطیف راشدی/ بی جا/ انتشارات پیام آزادی/ 1373/ ص 8. [↑](#endnote-ref-9)
10. -انصاریان/ حسین/ نظام خانواده در اسلام/ قم/ انتشارات ام ابیها/ پاییز 1375/ ص 36 [↑](#endnote-ref-10)
11. -فضل الله / محمد حسین / همان/ ص 8 [↑](#endnote-ref-11)
12. -انصاریان/ حسین/ همان/ ص 36 [↑](#endnote-ref-12)
13. -ماجراجو/ محسن / نیازها و روابط عروس و داماد/ بی جا/ انتشارات لاهوت/ بی تا/ ص14. [↑](#endnote-ref-13)
14. -ملک محمودی/ امیر/ راهنمای ازدواج/ بی جا/ انتشارات مشهور/ 1381/ ص 23 و 22. [↑](#endnote-ref-14)
15. -حسینی/ مجتبی/ پرسش ها و پاسخ ها (احکام ازدواج) / تنظیم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری/ بی جا/ ناشر، دفتر نشر معارف/ 1386/ ص 39. [↑](#endnote-ref-15)
16. -سوره روم/ آیه 21. [↑](#endnote-ref-16)
17. -کاشانی/ فتح الله / تفسیر کبیر/ مصحح: علی اکبر غفاری/ بی جا/ انتشارات اسلامیه/ 1346/ ج7/ ص 195. [↑](#endnote-ref-17)
18. -فضل الله/ حسین/ همان/ ص 27. [↑](#endnote-ref-18)
19. -طباطبایی/ محمد حسین/ تفسیر المیزان/ مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی/ قم/ انتشارات اسلامی/ 1387/ ج16/ ص 249. [↑](#endnote-ref-19)
20. -سوره نور/ آیه 32. [↑](#endnote-ref-20)
21. -مکارم شیرازی/ ناصر و همکاران/ تفسیر نمونه / تهران/ دارالکتب الاسلامیه/ 1380/ ج14/ ص 121. [↑](#endnote-ref-21)
22. -رازی/ ابوالفتح/ تفسیر روح الجنان و روح الجَنان/ مصحح: علی اکبر غفاری/ حواشی: میرزا ابوالحسن شعرانی/ بی جا/ انتشارات اسلامیه/ 1352/ ج8/ ص 208 [↑](#endnote-ref-22)
23. -کاشانی / فتح الله/ همان/ ج6/ ص301. [↑](#endnote-ref-23)
24. -ماجراجو/ محسن/ نیازها و روابط عروس و داماد/ به نقل از وسائل الشیعه/ ج3/ ص 5. [↑](#endnote-ref-24)
25. -ماجراجو/ محسن/ همان/ ص 13. [↑](#endnote-ref-25)
26. -بیابانگرد/ اسماعیل/ جوانان و ازدواج/ تهران/ انتشارات فرهنگ اسلامی/ 1387/ ص 39. [↑](#endnote-ref-26)
27. -مهابادی راد/ ناهید و سمیه بچاری/ روان شناسی ازدواج یا تشکیل خانواده/ بی جا/ انتشارات حافظ/ 1371/ ص 27. [↑](#endnote-ref-27)
28. -صادقی اردستانی/ احمد/ اسلام و مسائل جنسی و زناشویی/ تهران/ انتشارات مؤسسه ی مطبوعاتی خزر/ بی تا/ ص 27. [↑](#endnote-ref-28)
29. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ ص 41. [↑](#endnote-ref-29)
30. -مهابادی راد/ ناهید و سمیه بچاری/ همان/ ص 29. [↑](#endnote-ref-30)
31. -مظاهری/ علی اکبر/ همان/ ص 14. [↑](#endnote-ref-31)
32. -فضل الله / محمدحسین/ همان/ ص 27. [↑](#endnote-ref-32)
33. -طباطبائی / محمدحسین/ زن در اسلام/ ص 67. [↑](#endnote-ref-33)
34. -اکبری/ علی / آداب زناشوئی/ تهران/ انتشارات آئینه دانش/ بی تا/ ص 22. [↑](#endnote-ref-34)
35. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ ص 41. [↑](#endnote-ref-35)
36. -اکبری/ علی/ همان/ به نقل از وسائل الشیعه/ ج15/ص7. [↑](#endnote-ref-36)
37. -اکبری/ علی/ همان/ ص 22. [↑](#endnote-ref-37)
38. -حسینی نیا/ احمد/ بهداشت روانی ازدواج و همسرداری/ تهران/ انتشارات مفید/ 1380/ ص 49. [↑](#endnote-ref-38)
39. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ 38. [↑](#endnote-ref-39)
40. -کیهانی نیا/ اصغر/ خانواده خوشبخت/ بی جا/ انتشارات مادر/ 1384/ ص 76. [↑](#endnote-ref-40)
41. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ ص 45. [↑](#endnote-ref-41)
42. -دوستي / حسين/ همان . [↑](#endnote-ref-42)
43. -همان. [↑](#endnote-ref-43)
44. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ ص 44. [↑](#endnote-ref-44)
45. -صادقی اردستانی/ احمد/ همان/ ص 32. [↑](#endnote-ref-45)
46. -قایقی/ علی/خانواده ومسائل همسران جوان/ بی جا/ انتشارات امیری/ بی تا/ ص 20. [↑](#endnote-ref-46)
47. -همان/ ص 22. [↑](#endnote-ref-47)
48. -بیابانگرد/ اسماعیل/ همان/ ص 45. [↑](#endnote-ref-48)
49. -اکبری/ علی/ همان/ به نقل از مستدرک الوسائل/ ج2/ ص 432. [↑](#endnote-ref-49)
50. -اکبری/ علی / همان/ ص 27. [↑](#endnote-ref-50)
51. -دوستي /حسين/ همان. [↑](#endnote-ref-51)
52. -بابازاده/ علی اکبر/ مسائل ازدواج و حقوق خانواده/ تهران/ انتشارات بدر/ 1378/ ص 123. [↑](#endnote-ref-52)
53. -انصاریان/ حسین/ همان/ ص 65. [↑](#endnote-ref-53)
54. -بابازاده/ علی اکبر/ همان/ ص 123. [↑](#endnote-ref-54)
55. [↑](#endnote-ref-55)